شعر و موسیقی

موسیقی در شعر آزاد

اختصاصی

شادی زهره وندی- فرشید خیرآبادی

پرسش های بنیادین در موسیقی «شعر آزاد» چنین است:
آیا شعر آزاد نیازی به موسیقی ندارد؟
آیا موسیقی تنها برای شعر کهن کاربرد داشت؟
آیا شعر مدرن یا «پست مدرن» از موسیقی خالی است؟
شعر آزاد همانند همه سبک های شعرکهن نیازمند موسیقی است اما در اینجا این نیاز بایسته نیست، بلکه شایسته است و خوب است که باشد. موسیقی - چه بر مفاهیم ریتم و چه بر مفاهیم هارمونی استوار باشد و چه برهر دو - در شعر آزاد می‌تواند باشد و بهتر است که باشد، زیرا موسیقی، ماندگاری شعررا افزایش می‌دهد وشعر ماناتر خواهد شد و مخاطب اثر به دلیل ریتم، آنرا بهتر باور می‌کند و به دنبال فهمیدن آن می‌رود. یعنی نخست می‌پذیرد شما هنرمند هستید و درست می‌گویید و سپس به دنبال فهمیدن آنچه می‌گویید، می‌رود. از دیگر سو، موسیقی سبب ایجاد لذت در شعر می‌شود؛ چرا که سختی هضم معنا را کاهش می‌دهد، همچو شعری که با آواز خوانده می‌شود. موسیقی و آواز و شعر در هم می‌آمیزد و لذت حادث می‌شود و مغز به دنبال درک کردن گفتار شعر می‌رود. نکته مهم برای شاعران این است که هرچه معنا سنگین‌تر، ژرف‌تر، فلسفی تر شود، خواه ناخواه پردازش و ساخت موسیقی در شعر سخت تر و نشدنی تر می‌شود. چرا که نیاز به کاربست واژگان گسترده تر در شعر، پیش کشیده می‌شود تا بتوان جملاتی پر معنا تر ارایه کرد و همچنین موسیقی را نمی توان به خوبی پروراند چون واژگان با هم، هم آوا نیستند اما مجبوریم آنها را کنار هم جای دهیم تا معنایی سامان یابد. اکنون مشکل دوتاشد. اینجاست که سراینده می‌بایست موسیقی را با تاکتیک هایی که قابل اجرا در شعر آزاد باشد، دیگر پیاده سازی کند. در واقع نمی توان از هر تکنیک ایجاد موسیقی در شعر های آزاد سود برد. گفتنی است در شعر کهن سراینده چون معناهای اندکی برای بازگویی دارد دستش برای انتخاب واژگان شاعرانه باز است و نیاز نیست از مجموعه‌ای بزرگ، واژه انتخاب کند تا بتواند معنایی پیچیده را بیان کند و شاعر کهن سرا به راحتی می‌تواند از تکنیک هایی روشن و گفته شده برای غنی کردن موسیقی در شعرش بهره بگیرد اما شاعر آزاد نمی تواند و اینجا معنا سدی می‌سازد برابر پردازش و تولید و پیاده سازی موسیقی. از این رهگذر است که برای مثال قافیه آبشاری و قطع قطع نوشتن مصرع ها تولید و پرورده می‌شود و این نوآوری است در خلق و آفرینش موسیقی مدرن در شعر مدرن.
تکنیک جذابی در شعر آزاد است که به دست گروهی از شاعران آزاد که بسیار کوشیده باشند و قدرتمند شده باشند می‌تواند پیاده سازی شود، آن این است که با معانی بسیار ویژه و گویش معانی پیچیده و کلافی شکل، می‌توان گونه‌ای موسیقی در ذهن مخاطب حرفه‌ای شعرامروز ایجاد کرد، چرا که مخاطبی پیچیده تر و باسواد تر است، تولید کرده و گسترش دهد. شعر مدرن و پست مدرن می‌تواند از موسیقی خالی باشد اما باید دید می‌توان هزینه آنرا پرداخت. هزینه‌ای که معنا را دیرهضم می‌کند.التذاذ را در مخاطب اثراندک می‌کند و هزینه سربار شعر می‌شود. پس یا شاعر هزینه ها را می‌پذیرد و یا اینکه می‌گذارد خواننده و مخاطب با شعر درگیر شود.

گفتگوی آفتاب یزد با آرزو نقره تاب هنرمند نقاش و عکاس

هنرمندان فقط هنرمندان تهرانی نیستند

آفتاب یزد - فرین روحانیان: چندی پیش نمایشگاهی از آثار گروه نقاشان آزاد در فرهنگسرای شفق برگزار شد. گروه نقاشان آزاد توسط استاد مهران لطفعلی با هدف برپایی نمایشگاه و ورک شاپ در شاخه‌های مختلف نقاشی و در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی تشکیل شده و از سال ۱۳۹۳ تاکنون توانسته ۵ نمایشگاه برگزار کند. اعضای این گروه ظرف این ۵ ماه از ۷ نفر به ۲۶۵ نفر رسیده است. در نمایشگاه گروهی نقاشان آزاد که تا نیمه مرداد جاری در فرهنگسرای شفق برگزار شد، تعداد ۳۰ اثر نقاشی از ۲۹ هنرمند با تکنیک‌های مختلف در سبک‌های متفاوت نقاشی ارائه شد. شرکت‌کنندگان پنجمین نمایشگاه گروهی قلمرومانی با به کارگیری تکنیک‌های آبرنگ و سیاه‌قلم، اکریلیک، ترکیب مواد و رنگ و روغن توانسته‌اند نقاشی‌هایی به سبک‌های کوبیسم، امپرسیونیست، رئال و سورئال و.. خلق کنند. در این نمایشگاه از هنرمندان منتخب تقدیر به عمل آمد و جوایزی به آنها اهدا شد؛ یکی ازاین هنرمندان، زهرا(آرزو) صیاد نقره‌تاب بود که به بهانه برگزاری نمایشگاه اخیر با او به گفتگو نشستیم. فعالیت‌های هنرمندان مقیم شهرهایی غیراز پایتخت آنهم در سطوح حرفه‌ای موضوعی است که لزوم توجه به این قشر از هنرمندان را بیش از پیش یادآور می‌شود، اینکه هنر و هنرمندان تنها در تهران نیستند و هنرمند ایرانی تنها هنرمند تهرانی نیست. نقره‌تاب فارغ‌التحصیل رشته گرافیک از هنرستان و دانشگاه، متولد سال ۱۳۵۹ در بندرانزلی و ساکن این شهر است.

خانم نقره‌تاب فعالیت‌های هنری را از بندرانزلی آغاز کردید؟

بله، البته مقطع دانشگاه را در رشت گذراندم. سابقه ام در نقاشی به دوران تحصیل در هنرستان و خانه فرهنگ و هنراداره ارشاد بندرانزلی بازمی‌گردد و البته نزد استاد رحیم رحیم زاده که همچنان با ایشان در تماس هستم و از مشاوره و نظراتشان بهره می‌برم.

از نمایشگاه هایی که تاکنون برگزار کرده اید، بگویید.

چند نمایشگاه در همان دوران یعنی حدودا سال ۱۳۸۱ برگزار کردم. نخستین نمایشگاه انفرادی نقاشی ام نیز در همان سال در مجتمع فرهنگی امام صادق(ع) بندرانزلی برگزار شد. نمایشگاه آثار تجسمی که شامل هندسه و نقوش و نقاشی می‌شد و نمایشگاه عکس انفرادی نیز در همان مجتمع داشتم. به مناسبت افتتاحیه انجمن هنرهای تجسمی بندرانزلی یک نمایشگاه گروهی در خانه فرهنگ و هنر اداره ارشاد برگزار شد که همزمان با فارغ التحصیلی من در سال ۱۳۷۸ بود و من هم در آن شرکت داشتم.

با اداره ارشاد بندرانزلی همکاری‌های دیگری نیز داشته‌اید؟

بله، از همان سال ۱۳۷۸ در زمینه آموزش هنر و انجام امور هنری در کنار اساتید با این اداره به همکاری پرداختم که این همکاری تا حدود سال ۱۳۹۰ ادامه داشت.

پس از آن به چه فعالیتی مشغول شدید؟

وقفه‌ای در فعالیت در زمینه نقاشی داشتم اما در زمینه فیلم سازی، تصویرسازی، شعر و گرافیک همچنان به کار مشغول بودم.

پس فیلم هم ساخته‌اید؟

به فیلم کوتاه علاقه‌مند بودم و دوره‌های انجمن سینمای جوان بندرانزلی را در زمینه فیلم سازی تخصصی، فیلم کوتاه، تصویربرداری حرفه‌ای و نورپردازی گذراندم. دراین راستا تصویربرداری چند فیلم کوتاه درانجمن سینمای جوان بندرانزلی را به عهده داشته‌ام و یک فیلم کوتاه با عنوان «انتظار هستی» نیز ساختم. در فیلم «چراغ پشتان» کار مرحوم حامد خسروی هم به عنوان منشی صحنه فعالیت داشتم.

در زمینه گرافیک چه فعالیت‌هایی داشته‌اید؟

طراحی آرم و لوگوی گاهنامه «پیک باران» در بندرانزلی یکی از نمونه‌های کارم در این زمینه است که در زمینه شعر نیز با همین نشریه همکاری داشته و اشعارم چاپ شد. پس از ۳- ۴ سال به علاقه اصلی خودم برگشتم و آموزش نقاشی را مجددا آغاز کردم که منجر به نقاشی‌کردن خودم نیز شد.

پس در حال حاضر به صورت جدی به نقاشی می‌پردازید؟

در حال حاضر حدود سه سال است که عضو افتخاری رشته گرافیک در موسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر ایران هستم و حدود دو سال است که نقاشی را به صورت جدی و حرفه‌ای پیگیری می‌کنم و برای نخستین‌بار در تهران در نمایشگاه گروهی آزاد نقاشی حضور پیدا کردم. من با یک اثر نقاشی رئال با تکنیک رنگ و روغن روی بوم با عنوان «پیرمردها و قایق» در این نمایشگاه حضور داشتم.

بیشتر به سبک رئال می‌پردازید؟

بله، من ابتدا عکاسی می‌کنم و از روی عکس‌هایی که می‌گیرم به نقاشی می‌پردازم. به عنوان مثال یک مجموعه اثر رئال دارم که به دلیل علاقه به شهرم شکل گرفته و برگرفته از حس نوستالژیکی است که نسبت به این تصاویر دارم. ابتدا آنها را خودم عکاسی می‌کنم و سپس با کمی تغییر در فرآیند کار، آن را به صورت یک نقاشی پیاده می‌کنم. «خاکستری‌های شهر من» فضایی است برگرفته از حس درونی من نسبت به شهرم؛ صبح‌های مه‌آلود، صیادی، دریا، تالاب، رطوبت وخاطرات مه گرفته کودکی ام و.. در پیدایش این فضا موثر بوده‌اند. فضای خاکستری در چهره‌ها، بناها و رنگ‌ها حضور دارند. همیشه امیدوار بودم که حس درونی‌ام را در این زمینه به تصویر بکشم؛ شاید این تصاویر، تصاویر واقعی شهر من باشند که با دوربین عکاسی شده‌اند ولی دقیقا می‌توانم بگویم که تصاویر و موضوعاتی هستند که من همیشه حس خاصی به آنها داشته‌ام.

این مجموعه تاکنون به نمایش درآمده است؟

خیر، این مجموعه کار را برای یک نمایشگاه انفرادی آماده می‌کنم و در حال رایزنی هستم که در گالری‌ای که مناسب فضای کارهایم باشد، در تهران به نمایش بگذارم.

با توجه به صحبت‌های‌تان، شما عکاس خوبی هم هستید و سابقه برگزاری نمایشگاه انفرادی عکس نیز دارید، کمی از عکاسی بیشتر بگویید.

یکی از دل مشغولی‌های من در خلوت خودم، عکس است البته این فعالیت به صورت آکادمیک نبوده و من در واقع با احساساتم درگیر این هنر بوده‌ام که شروع اش هم به همان جریان انتخاب سوژه برای نقاشی‌هایم بازمی‌گردد. در این زمینه به تازگی در جشنواره «لاله‌های تالابی» که به صورت آنلاین و با مشارکت شهرداری و سازمان محیط زیست برگزار شد و فراخوان نمایشگاه عکس نیز داشت؛ با یک عکس با عنوان «امید» حضور داشتم که در نمایشگاه این جشنواره نیز به نمایش درآمد.

و به عنوان کلام آخر؟

امیدوارم با مهر خداوند بتوانم روزی دنیای جدیدی از ذهنم و درونیاتم را درعرصه هنر به نمایش بگذارم و ادای دین کنم نسبت به وطنم، شهرم و استاد عزیزم که تمام شکل‌گیری دنیای ذهنیه من درنقاشی را این سه‌عنصر مهم به عهده داشتند.

کوتاه از هنر

پخش «دستان» دوباره متوقف شد

پخش تنها برنامه موسیقی صدا و سیما که «دستان» نام داشت، متوقف شد. به گزارش ایسکانیوز، پخش برنامه دستان که با اجرای سید عباس سجادی و تهیه کنندگی محمد مناجاتی جمعه شب ها از شبکه آموزش سیما پخش می‌شد، رسما متوقف شد؛ این در حالی است که به گفته دست اندرکاران این برنامه حدود ۱۰ الی ۱۵ برنامه ساخته شده و تحویل شبکه آموزش شده است. آخرین برنامه تلویزیونی دستان با حضور مهمان‌هایی چون حمید متبسم و استاد قنبری مهر آماده رفتن روی آنتن صدا و سیما شده بود اما یکباره از سوی مدیران شبکه آموزش جلوی پخش آن گرفته شد و مسئولان این شبکه دلیل آن را نداشتن رویکرد آموزشی این برنامه دانستند، این در حالی است که قسمتی از این برنامه هفتگی به تدریس آواز توسط علی جهاندار اختصاص داشت و مسئولان شبکه پیش از لغو این برنامه خواهان حذف این بخش از برنامه شده بودند. پس از آن با خبر از سرگیری پخش این مجموعه یک قسمت با حضور حسام الدین سراج به روی آنتن رفت و اکنون بیش از دوهفته است که دوباره پخش نمی شود؛این درحالی است برنامه موسیقی محور «دستان» از عید نوروز تولیدش متوقف شده و بازپخش می‌شد. برنامه تلویزیونی دستان از دو سال پیش جمعا با حدود ۱۰۰ برنامه هر جمعه ساعت ۲۱ و تکرار آن شنبه ساعت ۲۱ پخش می‌شد و حال باید دید که مدیران صدا و سیما چه زمانی می‌خواهند دلیل قانع‌کننده‌ای برای لغو برنامه‌هایی از این دست ارائه کنند.

«آقای هیچکس» افتتاح شد

نمایش آقای هیچکس به نویسندگی و کارگردانی احسان معجونی، با حضور لیلی رشیدی و شهره سلطانی افتتاح شد و اجرای عمومی خود را آغاز کرد. به گزارش ایسکانیوز، همگام با آیین افتتاحیه نمایش آقای هیچکس، لیلی رشیدی گفت: امیدوارم شرایطی حاصل گردد که جوانان در این عرصه پایدار بمانند. وی افزود:در حال حاضر شرایط متناسبی نداریم، امیدوارم مدیران مرکز هنرهای نمایشی راه حلی را پیشه کنند و همانند گذشته به گروه های جوان کمک کنند. حداقل کمک هزینه‌ای در اختیار آنها قرار دهند. اجرای تئاتر نشان دهنده یک پیام است و هر اثر، نشان ماندگاری عنصر هنر است. پس تفاوتی نباید قائل شویم که اجرای تئاتر توسط جوانان شکل می‌گیرد و یا توسط گروه های حرفه‌ای تئاتر، هر دوی آنها به یک اندازه ماهیت اصلی هنر را به تماشاچی تئاتر انتقال می‌دهند. احسان معجونی در انتهای مراسم از حضور لیلی رشیدی و شهره سلطانی قدردانی کرد و گفت:خیلی سپاسگزارم که شما دو دوست و استاد عزیز در مراسم افتتاحیه نمایش ما شرکت کردید. امیدواریم بتوانیم راه شما را در مسیری مناسب ادامه دهیم.

گزارشی از چگونگی واردات ابزار گریم به سینمای ایران؛

پشت پرده اتاق‌های گریم به زیرزمین‌های شهر ری می‌رسد

شنیده می‌شود برخی گریمورها به دلیل در دسترس نبودنِ برخی لوازم یا بالا بودن قیمت محصولات اورجینال و کفاف ندادن دستمزدشان؛ خرید محصولات تقلبی یا بهتر بگوییم زیرزمینی را به محصولات اورجینال ترجیح می‌دهند. درزیرزمینِ خانه‌های شهری و نازی‌آباد تنها قرص‌های محرک و شیشه و مواد مخدر نمی‌سازند. دراین دالان‌های تنگ، لوازم تقلبی گریم هم تولید می‌شود واز قضا برخی گریمورها با توجیه عدم توانایی مالی در خرید وسایل اورجینال به خرید این وسایل که با یک سوم قیمت قابل تهیه‌اند؛ رضایت می‌دهند. به گزارش ایلنا، متین مصیبی که ۱۰ سال است وسایل گریم را از هلند وارد می‌کند؛ پرده از این جریان برمی‌دارد و این نکته را هم مدعی می‌شود که در این بازار کم کشش با کم ترین حاشیه و سود و با دید پشتیبانی از سینما؛ محصولات وارداتی‌اش را به گریمورها عرضه می‌کند. بازار مکاره ساخت این محصولات؛ کار را به جایی رسانده که برخی بازیگران حرفه‌ای که مطمئنا قبلا پیه این ماجرا به تن‌شان مالیده شده؛ دیگر به گریمورها اجازه استفاده از هر فونی را روی پوست صورت‌شان نمی‌دهند و برای در امان ماندن از مخاطرات پوستی؛ فون مورد تایید خود را همیشه همراه دارند و از گریمور می‌خواهند از آن برای هم‌سان‌سازی پوست‌شان استفاده کند. این مواد که مستقیم با پوست در ارتباط‌اند در درازمدت موجب پیری زودرس، لک، جوش و کک ومک می‌شوند. اینجاست که باید پرسید سر سازمان‌ها و ارگان‌های مربوطه به چه گرم است که این افراد با خاطری آسوده و دور از هرگونه گزندی همچنان به کار مشغول‌اند؟ گریم جزء مهمترین ابزار بازیگر برای رسیدن به نقش است. تا جایی که از زبان بازیگران می‌شنویم اگر طراحی و گریم فلان گریمور نبود؛ نقش درنمی‌آمد. حتی بزرگان سینما به این موضوع اذعان می‌دارند تا پیش از گریم نمی‌توانند با شخصیت ارتباط بگیرند. با این تاکید که چهره بازیگر نیز مهمترین ابزار او برای ادامه حیات بازیگری‌اش است پس باید پذیرفت نظارت بر محصولات گریم باید دقیق و کارشناسی انجام شود. برای جمع کردن این بساط یا باید از تولیدکننده داخلی که مجوز رسمی از سازمان غذا و دارو دارد؛ حمایت کرد که چنین تولیدکننده‌ای را در کشور نداریم. می‌ماند حمایت از واردکننده‌ها. به گفته مصیبی؛ مهمترین وجه تمایز لوازم گریم با لوازم آرایشی در نسبت آسیب رسانی کمتر لوازم گریم به پوست است و وجود متخصصی که بتواند محصولات اورجینال را از تقلبی تشخیص دهد برای خرید این محصولات اساسی است. اما شنیده می‌شود گریمورهایی که تعدادشان هم کم نیست به دلیل در دسترس نبودنِ برخی لوازم یا بالا بودن قیمت محصولات اورجینال و کفاف ندادن دستمزدشان؛ خرید محصولات تقلبی یا بهتر بگوییم زیرزمینی را به محصولات اورجینال ترجیح می‌دهند.وی می‌گوید: برخی محصولات مصرف یکسال شان ۳۰۰ عدد است و برای من گرفتن مجوز و پرداخت تعرفه ۵۵درصدی برای واردات آنها صرف نمی‌کند. تعرفه‌ای که برای وسایل آرایشی وضع شده شامل محصولات گریمی می‌شود که مصرف و حاشیه سود بسیار کم‌تری دارد. این واردکننده به پروسه مجوز واردات این محصولات اشاره می‌کند که سنگین و پرخرج است و توضیح می‌دهد: ژله‌های مختلف برای نشان دادن صورت سوخته یا سیلیکون فروش زیادی ندارند و من برای واردات آنها باید ثبت منبع کنم و از وزارت بهداشت مجوز بگیرم که نزدیک به ۵۰ میلیون باید هزینه واردات محصولاتی کنم که تعدادشان در حد ۳۰۰ عدد است. بنابراین برای واردکننده‌ها وارد کردن اکثر محصولات گریم صرف نمی‌کند. مصیبی می‌گوید: زمانی که خودم به سفر می‌روم برخی از این محصولات را در حجم محدود و برای افراد معدود در چمدان می‌آورم. او با بیان این مطلب که پانصد برند وجود دارد که واردات آنها به بالا بردن کیفیت تولیدات سینمایی کمک می‌کند؛ ادامه می‌دهد: خونِ سینمایی یکی از آنهاست. خون روز، شب، خون لخته شده با یکدیگر متفاوتند اما تهیه‌کننده‌ها اجازه استفاده از این امکانات را نمی‌دهند و به دوا گلی، سس و بتادین رضایت می‌دهند. اعتقاد این واردکننده این است که باید تعرفه‌ای جداگانه برای سینما وضع شود تا وسایل گریم بدون هزینه وارد شوند زیرا محصولات سینمایی مصرف زیادی ندارند و تعداد اقلام مورد مصرف در آن بسیار محدود است.

جا دارد بپرسیم اثر رفع تحریم‌ها پس از توافقات بر حوزه گریم هم مشهوده بوده؟ مصیبی به تقاضای ده کمپانی برای ورود به بازار ایران اشاره می‌کند که پیش از این به دلیل تحریم‌ها برای این همکاری واهمه داشتند اما هم‌اکنون با مساعد شدن اوضاع قصد همکاری با ایران را دارند و اخیرا یکی از این شرکت‌ها صراحتا این نکته را مطرح کرده که می‌توانیم همکاری‌مان را شروع کنیم. او یادآور می‌شود: زمانی این همکاری‌ها می‌تواند بر کل آثار سینمایی تاثیر داشته باشد که اولا با تولیدکننده‌های زیرزمینی برخورد قاطع شود، ثانیا درباره تعرفه‌های این حوزه بازنگری صورت گیرد تا گریمورها توانایی خرید این محصولات را داشته باشند.
تاریخچه ورود گریم حرفه‌ای به ایران به حدود ۴۰ سال قبل و تلاش‌های بیژن محتشم برمی‌گردد. او در سال ۱۳۵۳ برای گذراندن یک دوره فشرده گریم به امریکا سفر کرد و تجارب به دست آمده‌اش از این سفر و همکاری با جان چمپرز «سیاره میمون‌ها» را به جوان‌های گریمور آن زمان که عبدالله اسکندری هم جزء آنها بود؛ منتقل کرد. مجموعه زحمات محتشم برای گریم؛ لقب "پدر گریم ایران" را برایش به ارمغان آورد. در این سال‌ها؛ گریم در ایران پخته شد و حتی مقام اول منطقه را در مقاطعی به نام خود ثبت کرد. اما دشواری تامین ابزار اولیه این حرفه برای اکثر گریمورهای جوان؛ موجب کنار رفتنِ آنها از رینگ رقابت و عقد قراردادهای سینمایی با همان گریمورهای انگشت شمار شد.
نسخه تجویزی عبدالله اسکندری (طراح گریم باسابقه سینمای ایران) برای از میان برداشتن مشکل پیش روی جوانانِ گریموری که توانایی تامین لوازم اولیه حرفه خود را ندارند، وارد کردن این محصولات توسط دولت است. روشی که ۲۵ سال قبل یکبار توسط فارابی انجام شد و به‌رغم اینکه حرکتی مثبت بود؛ دیگر تکرار نشد. او؛ بودجه سالانه ۲۰ تا ۳۰ هزار دلاری را برای این امر کافی می‌داند و می‌گوید: نیازی نیست دولت به صورت رایگان این مواد را در اختیار گریمورها قرار دهد بلکه به دلیل نبود مجراهای واردکننده تنها مسئولیتِ وارد کردن و تقسیم آن میان گریمورها را برعهده بگیرد. اسکندری با ابراز گلایه از گفتگوهای مکرر و نافرجام خود با ارگان‌های مربوطه برای واردات وسایل گریم؛ ادامه می‌دهد: همه قول‌های مساعد می‌دهند اما هیچکس کار عملیاتی انجام نمی‌دهد و تنها به گفتن "بله و چشم" کفایت می‌کنند. این گریمور به تمیز ندادن محصولات گریم و آرایشی اشاره‌ای دارد که به بهانه گریم؛ وسایل آرایشی وارد حوزه سینما می‌شود. عدم‌تناسب میان شیب افزایش قیمت لوازم گریم و دستمزد گریمورها در ۴-۵ سال اخیر دیگر نکته‌ای است که اسکندری به آن اشاره دارد. او با بیان افزایش ۱۰ برابری قیمت‌ها پس از افزایش نرخ ارز؛ ادامه می‌دهد: وسیله‌ای که آن زمان ۱۰ هزار تومان می‌خریدیم؛ امروز باید ۱۲۰ هزار تومان برای خریدش بپردازیم. این افزایش قیمت‌ها درحالی است که در آن سوی معادله یعنی دستمزد گریمورها تغییری حاصل نشده است. اسکندری؛ دستمزدِ ماهیانه گریمورها را ۵ تا ۶ میلیون تومان ارزیابی می‌کند و درباره میزان سرکار بودن‌شان در طول سال می‌گوید: سالیانه بین ۷۰ تا ۹۰ فیلم ساخته می‌شود. از آنجا که ۳۰۰ نفرعضو انجمن چهره‌پردازان هستند و با فرض اینکه در هر فیلم سینمایی دو نفر به عنوان گریمور زن و مرد مشغول شوند؛ در خوشبینانه‌ترین وضعیت در طول سال نیمی از اعضای انجمن مشغول به‌کارند و مابقی بیکارند.می‌توان گفت؛ در این سال‌ها مشکل واردات مواد اولیه گریم در کنار پایین بودن میزان تولیدات سینمایی تاثیر مستقیمی روی تقسیم ناعادلانه کارمیان گریمورها داشته است. در شرایطی که تعداد کارهای تولید شده در طول سال کم است افرادی که ارتباطات گسترده‌تری برای تامین مواد مورد نیاز حرفه خود دارند؛ از شانس بیشتری برای جذب در پروژه‌های سینمایی برخوردارند و این یعنی سلطه مافیا بر گریم.